

Political sociological analysis of land reform and its consequences in Miandoab region

Abstract

Due to the inefficiency of small plots of land, farmers were forced to migrate from villages and settle on the outskirts of cities. This issue had effective consequences in Miandoab region and led to false employment and an increase in the number of day laborers in Miandoab city, and as a result, agricultural products decreased. Implementation of land reforms in the region caused a decline in production and transfer of capital from rural to urban areas and affected the lives of villagers, and for a trial start of law enforcement from Miandoab region as one of the areas of Maragheh city, which aims to achieve It was the political, economic, and social consequences of breaking the landlords' political influence that were important consequences. The economic consequences of enforcing the law in Miandoab led to the expansion of the peasant exploitation system and the change of land ownership, and had little economic benefit for them. In the social dimension, it led to the growth and development of the peasantry and the working class, the reduction of inequality and the elimination of the landlord-peasant system, which indicates a weakening of the power of Miandoab owners and an increase in government concentration in rural areas.

Keywords: Land Reform, Political Consequences, Economic Consequences, Social Consequences, Miandoab.

اصلاحات ارضی تأثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر ساختار جامعه از خود بر جای گذاشت. تقسیم ارضی به قطعات کوچک معضلی است که ارضی کشاورزی آذربایجان و خصوصاً منطقه میان‌دوآب به آن گرفتار شده‌اند. این مسئله موجب شد تا بهره‌وری در بخش تولیدات کشاورزی به طور چشمگیری کاهش پیدا کند. اصلاحات ارضی به عنوان یک برنامه دگرگون‌زا و توسعه‌ای است که از سال ۱۳۴۰ش در ایران آغاز شد و در سال ۱۳۵۱ش به پایان رسید. معمولاً اصلاحات ارضی را به توزیع زمین تعریف می‌کنند، اما برخی آن را مترادف اصلاحات کشاورزی می‌دانند که از توزیع زمین، دامنه‌ای بسیار وسیع‌تری دارد. تعریف دیگری که از اصلاحات ارضی شده این است که، کشاورزی را تغییر دهد، یعنی به سمت توسعه و نوآوری ببرد. یا اینکه قدرت افسار دهقانی تثبیت و یا تغییر کند. عمده مخالفان اصلاحات ارضی عبارت بودند از: مارکسیست‌ها، مالکین بزرگ و روحانیون؛ دلیل اصلی مخالفت روحانیت با اصلاحات ارضی، نه فنودال بودن ایشان و پایگاه طبقاتی آن‌ها، بلکه بیشتر تعارضات این اصلاحات با اصول اسلام بود. به همین دلیل است که توفیق اصلاحات ارضی و شیوه اجرای آن را دچار چالش می‌نماید. با توجه به بررسی‌های پژوهش، به نظر می‌رسد که هر چند ایده اصلاحات ارضی ضروری بوده است، اما در طراحی و اجرا چندان موفقیتی نداشته است و تغییرات ساختاری آن در جامعه یکی از دلایل بزرگ وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بوده است. قانون اصلاحات ارضی در تاریخ ۱۳۴۱/۱۱/۱۹ در مراغه که شهر پیش‌آهنگ اصلاحات نام گرفت اجرایی شد و با توجه به این که میان‌دوآب نیز یکی از حوزه‌های شهرستان مراغه بود، اجرای قانون در این مناطق هم ادامه پیدا کرد. دولت با استفاده از وسایل ارتباط جمعی، برنامه‌ی تبلیغاتی وسیعی را به مرحله‌ی اجرا درآورد و ایدئولوژی جدیدی بر اهمیت طبقه‌ی کشاورزی در افکار عمومی اشاعه داده شد. شرایط خاص منطقه میان‌دوآب، جلگه‌ای بودن و وجود رودخانه‌های پر آب زرینه رود و سیمینه رود و طغیان فصلی آن‌ها خسارت‌های زیادی را به محصولات کشاورزی وارد می‌کرد که لازمه جلوگیری از این خسارات ایجاد سدبندها بر روی رودخانه‌ها بود و این کار با اجبار مالک و توسط زارعین با زحمت بسیار زیاد انجام می‌شد. خسارات وارده در قرار دادهای بین مالک و زارعین مدنظر قرار نمی‌گرفت و این اقدام ظلمی در حق زارعین منطقه بود. این پژوهش تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از نظریه مفهوم عام دیالکتیک و جامعه‌شناسی معرفت که شکل‌گیری آگاهی کنشگر را در بستر شرایط اجتماعی-تاریخی، در سطح خرد و کلان تبیین می‌کند با تحلیل تاریخی مبتنی بر هم‌فراخوانی پاره‌عینی (شرایط اجتماعی-تاریخی) و پاره‌ذهنی (آگاهی و تفکر) بتواند تأثیرات اصلاحات ارضی و پیامدهای آن بر ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میان‌دوآب را بررسی و به تجزیه و تحلیل آن بپردازد.

۱.۲. ضرورت، اهمیت و اهداف پژوهش

اجرای اصلاحات ارضی هر چند زمین‌های کوچکی را در اختیار بخشی از روستاییان میان‌دوآب قرار داد ولی حذف مدیریت تولید زراعی، ادامه ستم مالکین با حمایت مأمورین محلی بر زارعین و انتقال سرمایه مناطق روستایی به شهرها موجب افول تولیدات کشاورزی شد و اختلافات بین مالک و زارعین و عدم اجرای درست قانون در منطقه میان‌دوآب مهاجرت روستاییان به شهرهای

منطقه را در پی داشته است که شناسایی عوامل زمینه ساز این مشکلات، موجب کاهش آسیب‌ها در مناطق روستایی خواهد شد و به همین جهت انجام پژوهش در این مورد ضرورت دارد. با توجه به این که اصلاحات ارضی از آذربایجان شرقی و شهر مراغه آغاز گردید و در آن زمان میاندوآب به عنوان یکی از حوزه‌های مراغه محسوب می‌شد و اینکه تاکنون هیچ پژوهش مستقلی در این زمینه در منطقه میاندوآب انجام صورت نگرفته است، به همین خاطر بررسی اصلاحات ارضی در این منطقه از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. ضعف در اجرای قانون، حمایت مأمورین محلی دولت از مالکین، با صرفه نبودن اشتغال در زمین‌های کوچک و برهم خوردن مناسبات و مالکیت ابزار تولید در عدم موفقیت برنامه دخیل بوده که شناسایی عوامل آسیب‌رسان و مشخص نمودن ابعاد آن، موجب جلوگیری از خسارات بیشتر به روستائیان می‌شود. هدف کلی این پژوهش «بررسی اصلاحات ارضی و پیامدهای آن بر منطقه میاندوآب» و هدف جزئی آن شامل بررسی اثرات و پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اصلاحات انجام گرفته در منطقه مزبور می‌باشد. و چگونگی اجرای قانون در محدوده جغرافیایی میاندوآب مورد بررسی قرار می‌گیرد. کشاورزی نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی و تأمین معیشت مردم منطقه میاندوآب داشت و اجرای اصلاحات ارضی از سویی بخش زیادی از دهقانان را از ستم اربابان منطقه رها کرد و از سویی دیگر، با حذف مدیریت تولید زراعی و کشاندن سرمایه‌ها از روستا به شهر، موجب افول تولید کشاورزی و مهاجرت به میاندوآب و شهرهای همجوار شد.

۱۳. پیشینه پژوهش

در حوزه اصلاحات ارضی آثار متعددی شامل کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌ها به رشته تحریر در آمده است ولی در بسیاری از آن‌ها به اثرات اصلاحات ارضی در کل کشور پرداخته شده است. پژوهش‌های مربوط به اصلاحات ارضی را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد؛ یکی پژوهش‌هایی که قبل از انقلاب انجام شده‌اند و دومی، پژوهش‌هایی که بعد از انقلاب صورت گرفته‌اند. پژوهش‌های قبل از انقلاب عمدتاً نگاهی طرفدارانه و مثبت به این فرایند دارند ولی در پژوهش‌های بعد از انقلاب، قضاوت‌های بی‌طرفانه‌تری نسبت به این رویداد مشاهده می‌شود و تعصبات مبنی بر لزوم انتقاد صریح از این رویداد کمتر دیده می‌شود. امروزه اصلاحات ارضی از موضوع سیاسی، به موضوع تاریخی تغییر ماهیت داده و لذا بررسی بی‌طرفانه و جامع از آن امکان پذیر شده است.

نجفی (۱۳۷۴) در پژوهشی با عنوان «اصلاحات ارضی و تأثیر آن در دگرگونی ساختار سیاسی ایران» را با راهنمایی دکتر علیرضا ازغندی در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس مورد دفاع قرار داده است. به نظر او تحکیم و تثبیت اقتدار رژیم در داخل و کسب پرستیژ و حمایت بین‌المللی از مهم‌ترین اهداف به‌شمار می‌روند. (نجفی، ۱۳۷۴، ۵۸) وی از افزایش سیل آسای مهاجرت نیز بحث می‌کند و نظرات ایشان در این زمینه مورد توجه قرار گرفته است.

از بُعد جامعه‌شناختی و تخصصی نیز آثار پژوهشگرانی نظیر مصطفی ازکیا با عنوان «جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی، ۱۳۹۳» و «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی، ۱۳۹۱»، محمد علی کاتوزیان «اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان پهلوی، ۱۳۹۹»، احمد اشرف با عنوان «طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران، ۱۳۹۳»، لمبتون «اصلاحات ارضی در ایران، ۱۳۴۵»، و پژوهش‌های تاریخی دیگر همچون؛ نوشته‌های یرواند آبراهامیان با عنوان «ایران بین دو انقلاب، ۱۳۷۹»، جان فوران با عنوان «مقاومت شکننده، ۱۳۸۵» را می‌توان نام برد.

جمشید محبوبی در کتاب «نگاهی به تاریخ و جغرافیای میاندوآب، ۱۳۷۰» باختصار در مورد چگونگی تقسیم محصولات تولیدی در میاندوآب و مراحل اصلاحات ارضی پرداخته است همچنین جلال شکوهی و همکاران در کتاب «میاندوآب در مسیر تاریخ، ۱۳۹۷» تاریخچه اصلاحات ارضی در ایران، قوانین و مراحل اجرائی آن را مورد مطالعه و بررسی قرار داده اند. تمامی آثار ذکر شده به بررسی جریان اصلاحات ارضی در ایران و یا میاندوآب به صورت کلی پرداخته اند، در حالی که در پژوهش حاضر با توجه به اسناد موجود، ضمن توجه به اثرات اصلاحات ارضی بر کشاورزان منطقه میاندوآب به مشکلات و پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از اجرای این قانون پرداخته شده است و با توجه به این که تحقیق مستقلی با این عنوان در منطقه میاندوآب صورت نگرفته است، لذا انجام پژوهش حاضر ضرورت دارد.

۱۴. سؤال اصلی

اجرای اصلاحات ارضی در منطقه میاندوآب چه پیامدهایی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته داشت؟

۱۵. فرضیه

فرضیه پژوهش بر این مبناست که پیامدهای اجرای اصلاحات ارضی در منطقه میاندوآب در بعد سیاسی، به جهت عدم اجرای درست برنامه ها در این منطقه موجب نارضایتی و اختلاف بین مالکان بزرگ، اجاره کنندگان و صاحبان زمین های کوچک شد و قدرت سیاسی دولت جایگزین قدرت مالکان گردید. به لحاظ اقتصادی، موجب تغییر ماهیت و ساختار مالکیت زمین و گسترش نظام بهره برداری دهقانی شد و اختلاف مالک و زارع در مورد اجاره ها، عدم ارائه تسهیلات به زارعین و کوچک شدن زمین ها باعث کاهش تولید گردید، همچنین در بعد اجتماعی، موجب رشد طبقه دهقانی و کارگری شد و با احداث کارخانه ها و صنایع تبدیلی همچون؛ کارخانه قند و کاهش بهره وری زمین های کشاورزی موجب مهاجرت تعداد زیادی از روستائیان منطقه به شهر میاندوآب گردید و این امر پیامدهای منفی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این منطقه داشت.

۲. اهداف برنامه اصلاحات ارضی و مراحل آن

اصلاحات ارضی در ایران عبارت است از تغییر شیوه مالکیت زمین های زراعی از فئودالی سهم بری به خرده مالکی و توزیع مجدد آن بین زارعان، که با تصویب قانون اصلاحات ارضی و در سه مرحله انجام گرفت. به عقیده برخی از نویسندگان، هدف اصلی محمد رضا شاه از اصلاحات ارضی، کاهش فشار سیاسی روی نظام حاکم بود. از دلایل دیگر عبارتند از کاهش قدرت سیاسی و اقتصادی بزرگ مالکان، ایجاد محبوبیت در میان قشر روستایی، افزایش سطح درآمد و توانایی اقتصادی زارعان، افزایش بهره وری و پیشگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها بود. قانون اصلاحات ارضی به ظاهر دنبال اجرای سه هدف، یعنی عدالت اجتماعی، سلامت سیاسی و افزایش تولیدات کشاورزی بود ولی به نتیجه نهایی نرسید. (پورافضل و نجفی، ۱۳۵۱، ۵) هدف محمد رضا شاه پیش از آن که اقتصادی باشد، سیاسی بود. هدف سیاسی وی از اجرای قانون اصلاحات ارضی، این بود که به کشورهای غربی نشان دهد که در مسیر آن ها گام بر می دارد. (افراسیابی، ۱۳۶۲، ۷۲) ولی با توجه به عدم حمایت از کشاورزان و زارعان خرده پا، بسیاری از روستائیان روانه شهرها شدند تا جایی که تولیدات محصولاتی همچون؛ گندم و جو با کاهش شدید مواجه شد

و دولت برای رفع نیاز غذایی مردم ناچار به واردات شد. (عمید، ۱۳۸۱، ۱۹۳) محمدرضا شاه با اجرای طرح اصلاحات ارضی به دنبال ضربه وارد کردن به زمین دارانی بود که به عنوان رقیب وی در تجارت و زمین داری محسوب می شدند.

هدف شاه در بعد اقتصادی، افزایش قدرت خرید زارعان، پیدا کردن بازار برای تولیدات صنایع شهری، افزایش محصولات کشاورزی و استفاده از نیروی انسانی اضافی روستائیان در صنایع شهری بود. (خسروی، ۱۳۵۸، ۱۵۳) در بُعد نظری، اصلاحات در نظام مالکیت زمین و باز توزیع اراضی، می بایست منجر به افزایش پایداری ساختار سیاسی می شد.

مطابق تحلیل احمد اشرف، انقلاب سفید تحت فشار دولت کندی از بالا برنامه ریزی و اجرا شد. نه دهقانان و نه طبقه متوسط، هیچکدام در شروع آن مشارکت نداشتند. بازیگران اصلی عبارت بودند از: شاه، علی امینی نخست وزیر، حسن ارسنجانی وزیر کشاورزی و دولت کندی ایالت متحده آمریکا. با این وصف اجرای اصلاحات ارضی اساساً تحت تأثیر عقاید و انگیزه های شخصی حسن ارسنجانی بود. (اشرف، ۱۳۸۳، ۱۱۱) ارسنجانی به ضرورت حذف فئودالیسم و نظام ارباب - رعیتی و خودکفا کردن دهقانان از طریق جنبش تعاونی اعتقاد داشت. او را معمار اصلاحات ارضی به شمار آورده اند (Wariner, 1969, 109) (135 مرحله ی اول، به رهبری ارسنجانی یک جنبش شبه انقلابی بود. مرحله دوم با حذف ارسنجانی به درستی [مرحله ی] ضد انقلابی نامیده شد (Mahdavi, 1965, 134) برنامه ی کار در این مرحله سرکوب دهقانان، برقراری نظم و قانون، و حمایت از زمین داران متوسط و کوچک بود (Lambton, 1969, 194-256). با این حال مرحله ی سوم اصلاحات معتدل و از بالا بود که طی آن حکومت، مالکیت زمین را براساس قراردادهای نسق داری و اجاره داری به دهقانان زارع واگذار کرد. سیاست ها و راهبردهای حکومت در جریان انقلاب سفید در دو مرحله شکل گرفت، اصلاحات ارضی دهه ی چهل و برنامه های زارعی سال های پنجاه. اجرای این برنامه ها، در کنار رشد سریع جمعیت، به دگرگونی های اساسی در ساختار طبقاتی روستایی و مناسبات ارضی انجامید.

اصلاحات ارضی در سه مرحله اجرا شد: در مرحله اول (۱۳۴۳-۱۳۴۱ش) هدف اصلی خلع ید اقتصادی بزرگ مالکان بود و به جای آنکه پایه اصلاحات ارضی بر مساحت زمین های کشاورزی قرار داده شود، ده شش دانگ که از دیر باز واحد تولید کشاورزی به شمار می رفت اساس کار قرار داده شد و مالکیت زمین به داشتن یک ده محدود شد. بزرگ مالکان مؤلف بودند ده های اضافی را به دولت بفروشدند تا میان کشاورزان تقسیم شود و بر طبق قانون هر زارعی زمینی را که بر روی آن زراعت می کرد، صاحب می شد. (پورافضل و نجفی، ۱۳۵۱، ۳۰)

در مرحله دوم (۱۳۴۹-۱۳۴۳ش) مقرر شد مالکان بزرگی که اراضی آنها مشمول مرحله اول اصلاحات ارضی نشده بودند، بین ۲۰ تا ۱۵۰ هکتار از اراضی مکانیزه را برای خود نگه دارند و بقیه را به یکی از سه روش به رعیت واگذار نمایند:

روش اول: املاک خود را به صورت نقدی به رعیت اجاره دهند و مدت اجاره هم ۳۰ سال باشد، روش دوم: اراضی خود را مستقیماً به رعیت یا رعایا بفروشند و سند نیز به نام آنان صادر شود، روش سوم: مالک و رعیت با هم شریک شوند و بر اساس میزان کار و نهاده های ارائه شده از طرفین، دو سهم از پنج سهم را مالک و سه سهم از پنج سهم را رعیت ببرد که تقریباً همان شیوه ارباب - رعیتی قبل از اصلاحات بود. با این تفاوت که واحد های سهامی مشترک و یا نوعی تعاونی تولید تشکیل می شد.

طبق آمار ۸۰٪ اربابان راه اول را انتخاب نمودند. (مستوفی الممالک، ۱۳۸۵، ۷۳-۷۲) در این مرحله نیز اختلافات بین مالکین و مأمورین اصلاحات ارضی وجود داشت و یکی از خرده مالکین منطقه میاندوآب در سندی راجع به این مورد می نویسد: «پیرو نامه ۵۶/۱۲/۹ و ۵۷/۴/۲۴ خواهشمند است دستور فرمائید از نتیجه اقدامات هیأت محترم آن شورا در مورد حل اختلاف پرونده اینجانب که طی شماره ۲۲۱۸۰-۵۶/۱۱/۲ توسط کل تعاون رضائیه به آن شورا تسلیم شده است اینجانب را مستحضر فرمایند چون مدت بیشتر از ۶ سال می باشد که دزدی و کلاه برداری مأمورین اصلاحات ارضی میاندوآب و مدیر کل تعاون فعلی رضائیه در مورد مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی اعلام نموده ام هنوز به جواب مشخص نایل نشده ام. با تقدیم احترام علی ابراهیمی کشاورز قریه قره ورن میاندوآب.» (مجلس شورای اسلامی، سند شماره، ۱۰/۱۵۷/۱۶/۱/۲۳۸) با وجود نامه نگاری های متعدد، مشکلات کشاورزان منطقه همچنان ادامه داشت و وزارت اصلاحات ارضی و یا عوامل محلی آن ها برنامه اساسی برای حل این معضلات نداشتند.

مرحله سوم (۱۳۵۱-۱۳۴۹) تا اواسط سال ۱۳۵۱ طول کشید و در واقع اصلاح برنامه های اول و دوم بود که موجب نارضایتی زارعان شد. این مرحله در مجموع به نفع قشر مرفه و اربابان سابق تمام شد؛ به طوری که در این مرحله باید یکی از دو پیشنهاد ذیل بین ارباب و رعیت انتخاب می شد: ۱. زمین های کشاورزی باید بین مالکان (اجاره دهندگان) و زارعان (اجاره کننده ها) به نسبت بهره مالکانه متداول تقسیم می شد. ۲. زمین های زراعی به قیمت بیش از ۱۲ برابر اجاره بهای سالیانه آن، از طرف دولت به زارعان فروخته می شد که مسلماً فشارهای مالی به کشاورزان را در روستاها بیشتر می کرد. (مهدوی، ۱۳۷۷، ۳۶-۳۵) در این مرحله دولت نقش چندانی در تقسیم اراضی ایفا نکرد، در نتیجه مالکان زمین ها را با قیمت دلخواه خود می فروختند.

در راستای قانون اصلاحات، شرکت های سهامی زراعی و کشت و صنعت و تعاونی به وجود آمدند که هدف این نهاد ها، حمایت از کشاورزان بود ولی هیچ اقدام مثبتی به نفع کشاورزان صورت نگرفت. در نتیجه سطح تولیدات کشاورزی به میزان قابل توجهی کاهش یافت. (تجدد، ۱۳۸۷، ۵۳-۵۲) اجرای این مرحله نیز مشکلات خرده مالکین را حل نکرد که نمونه آن سند دادخواهی یکی از خرده مالکین منطقه میاندوآب و پاسخ وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، دفتر وزیر و ریاست کمیسیون و عرایض مجلس سنا بود که در این سند آمده است: «عطف به مرقومه شماره ۵۰۶۴-۴۹/۶/۳ در مورد رسیدگی به تقاضای آقای ابراهیم کاظمی استحضار می دهد: بطوریکه اداره کل اصلاحات ارضی و تعاون روستایی استان آذربایجان غربی گزارش می دهد: رسیدگی به تقاضای خرده مالکین مشمول مرحله سوم قانون مبنی بر دریافت بهای ملک بطور نقدی منجمله آقای ابراهیم کاظمی مورد قبول کمیسیون مربوطه قرار گرفته به نامبرده ابلاغ گردیده تا قبوض اقساطی را از دفترخانه مربوطه اخذ و به کمیسیون مزبور ارائه نماید تا اقدامات بعدی صورت گیرد.» (مجلس شورای اسلامی، سند شماره، ۴/۶۴/۴۹-۱۰۱۱)

۳. علل ناکامی اصلاحات ارضی و نتایج سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن

هدف اصلاحات ارضی در بعد سیاسی رفع اختلاف بین مالک و زارع و جلوگیری از تحریک و اغتشاش یا انقلاب و سرنگونی قدرت حاکمه، از طریق، آزاد کردن رأی دهقانان و تحکیم پایه های رژیم از طریق ایجاد طبقه وسیع دهقانان مرفه بود. از سویی تقلیل گرایي بر برنامه اصلاحات ارضی که جامعه روستایی را بیشتر از منظر سیاسی مورد توجه قرار داده بود، و از سوی دیگر به فراموشی سپردن بافت و ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه روستایی، موجب ناکارآمدی هزینه های مصرف شده و برنامه ها

گردید. (غفاری، ۱۳۸۳، ۱۳۸-۱۳۷) از نظر اقتصادی هدف اصلاحات ارضی باز کردن راه رشد سریع تر سرمایه داری از طریق در هم شکستن مناسبات کهنه ارضی، رونق اقتصادی کشور و گسترش بازار تولیدات داخلی از طریق تقویت توان خرید روستائیان و به ویژه تقویت طبقه متوسط مرفه روستا و نیز رشد تولیدات کشاورزی بود. ولی اصلاحات ارضی هیچ بهبودی در توزیع عادلانه اراضی و اصلاح الگوی مالکیت ارضی به نفع طبقه زمین دار کمتر از دو هکتار و طبقه بی زمین نکرد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ۷۸) نتایج اجتماعی، شامل تغییر شیوه زندگی و افزایش روحیه مصرف گرایی در روستاها می شود. این مسئله معلول افزایش تولیدات کشاورزی نبود؛ بلکه عموماً ناشی از دریافت وام هایی بود که به جای مصرف در بخش کشاورزی و کمک به افزایش محصولات، به مصرف کارهای غیر زراعی می رسید. (تجدد، ۱۳۸۷، ۵۵-۵۴) با اجرای اصلاحات ارضی سیستم مالکیت زمین های کشاورزی و نظام ارباب- رعیتی، وضع جدید تأمین کننده معیشت روستائیان نبود؛ زیرا از یک سو با گرفتن زمین ها از اربابان، بسیاری بیکار شدند. چون بیش از نیمی از خانوارهای روستائیان مشمول قانون اصلاحات ارضی نشدند، برای اینکه قرارداد سهم بری نبسته بودند و حق نسق نداشتند. لذا این عده روز به روز فقیر تر شدند و آن هایی هم که صاحب زمین شدند قطعه زمین های کوچک و نامرغوب بدست آوردند، نیمی از زمین ها اصولاً تقسیم نشد و در اختیار مالکان بزرگ باقی ماند. (فوران، ۱۳۷۸، ۴۷۴) بسیاری از دهقانان نیز درگیر تأمین آب کشاورزی و چگونگی پرداخت اقساط بودند، لذا بسیاری از آنان زمین های خود را به مالکان فروختند، که نتیجه آن افزایش مهاجرت در دهه ۱۳۵۰ بود. این مهاجرت ها نه تنها باعث کاهش تولید مواد غذایی و وابستگی اقتصادی به خارج گردید، بلکه مشکلات اجتماعی بسیار زیادی را به وجود آورد. (کدی، ۱۳۶۹، ۲۵۵-۲۴۳) اگرچه درآمد مهاجرین در شهرها نسبتاً مناسب بود ولی اغلب به خاطر تورم سرسام آور مغلوب هزینه ها می شدند. (محمدی، ۱۳۷۰، ۸۰-۷۸) مهم ترین عوامل در افزایش روند مهاجرت روستائیان به شهر ها را برنامه های عمرانی، اصلاحات ارضی، شرکت های سهامی زراعی و شرکت های کشت و صنعت تشکیل می دادند. آثار سیاسی مهاجرت های روستایی شامل گسترش تمرکز گرایی اداری- سیاسی در شهرهای بزرگ و مشارکت مهاجرین روستایی در مبارزات سیاسی و پیروزی انقلاب اسلامی می شد. (تنهایی، ۱۳۹۲، ۱۷۹-۲۱۹)

۴. اصلاحات ارضی در میاندوآب

در تحقیق حاضر چگونگی اجرا، عملکرد و پیامدهای برنامه اصلاحات ارضی در منطقه میاندوآب مورد پژوهش قرار می گیرد. این منطقه دارای شاخصه های ویژه ای در بخش کشاورزی بوده تا جایی که وسعت اراضی زراعی و تمرکز بیشتر جمعیت در روستاها، منطقه را از جایگاه ویژه ای برخوردار نموده است. در برهه زمانی اجرای اصلاحات ارضی حدود ۸۰٪ جمعیت منطقه در روستاها سکونت داشتند و تعداد زیادی از آن ها را دهقانان تشکیل می دادند. بخش وسیعی از زمین های زراعی در دست مالکان عمده بود و بیشتر زارعان به شیوه ارباب - رعیتی مشغول به فعالیت بودند. اجرای اصلاحات ارضی نقش تعیین کننده ای در اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه داشت و زندگی روستائیان را تحت تأثیر قرار داد. لذا شرایط خاص منطقه میاندوآب بررسی اجرای اصلاحات ارضی و پیامدهای آن را ضروری می نماید.

مالکیت دولت بر زمین های بزرگ از زمان افشاریان سر و سامان پیدا کرده بود و املاک بزرگ دولتی تحت عنوان خالصه در دفاتر دولتی ثبت و ضبط می گردیدند. از آن دوره میاندوآب و تعدادی از روستاهای حومه از املاک خالصه به حساب می آمدند. به

عبارت دیگر خالصجات به مراتع، اراضی یا دهاتی اطلاق می شد که به دولت تعلق داشت و بهره مالکانه رایج که به وسیله مأمورین دولتی از زمین های کشاورزی وصول می شد یک سوم خالص محصول از زراعت گندم و جو آبی بوده است و برای سایر محصولات نیز مقررات خاصی وجود داشته است. برای این منظور دولت در شهرهایی که دارای املاک بزرگ در روستاها داشت، اداره خاصی به نام اداره خالصجات دولتی دایر کرده بود. در شهر میاندوآب نیز برای وصول بهره مالکانه دولتی، اداره خالصه تشکیل شده بود که عواید حاصل از املاک دولتی را از طریق مزایده به اشخاص واگذار می کرد. بعد از دولت که بزرگ ترین زمین دار منطقه به حساب می آمد، سایر مالکان، هر کس بر طبق سلیقه شخصی خود با گرفتن بهره مالکانه و انواع مالیات و کشیدن بیگاری، زارعین زحمت کش را آزار و اذیت می کردند. در مناطق روستایی شهرستان میاندوآب خانه ها و منازل مسکونی دهقانان، متعلق به مالک دهکده بود. در برخی از نقاط روستایی یک ششم از عواید زمین ها را به عنوان مال الاجاره وصول می کردند. در موقع اخراج رعیت از روستا به او اجازه داده می شد در صورت تمایل منازل خود را خراب کرده، الوار و در و پنجره را با خود ببرد. به طور کلی هر چیزی در روستا متعلق به ارباب بود. مرکز زمین داری دولتی نیز در باغ خالصه میاندوآب مستقر بود.

با اجرای قانون تقسیم و فروش خالصجات دولتی در میاندوآب تعدادی از روستاهای بخش و حومه از جمله زمین های مزروعی رابری، بهی و یوزباشکنندی، به زارعین صاحبان نسق واگذار گردید (کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۸/۷/۱) ولی طبق اسناد موجود قوانین مربوط به واگذاری و اجاره زمین ها در منطقه میاندوآب به درستی اجرا نمی شد. در یکی از اسناد دادخواهی مستأجرین منطقه آمده است: «ما بیچارگان مستأجرین میاندوآب تحت تسلط و فشار غیر قانونی مالکین و ناکثین واقع و قانون مرکز در مورد میاندوآب ابداً اجرا نشده و مستأجرین را با زور تخلیه نموده و کرایه ها را با میل خود هر سال صدی صد اضافه می نمایند تقاضای عطف توجه داریم.» (مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۱۵/۱۵/۸/۱/۶۳) در اصلاحات ارضی که مرحله ی اول آن از مراغه آغاز شد به تدریج املاک بزرگ اطراف میاندوآب نیز تقسیم گردید و در مرحله ی دوم این قانون که از سال ۱۳۴۳ به اجرا درآمد، باقی مانده ی زمین های بزرگ به مالکیت روستائیان درآمد و در آخرین مرحله که از سال ۱۳۴۷ شروع شد زمین داران بزرگ از روستاها بیرون رفتند. اجرای مراحل سه گانه ی اصلاحات ارضی در روستاهای میاندوآب مانند سایر نقاط کشور مشکلات خاصی همچون؛ افزایش بیکاری، کاهش محصولات کشاورزی در سطح واحد و مهاجرت روستائیان به شهرها را موجب شد.

با مطالعه آثار مربوط به توزیع اراضی کشت اختصاصی در نقاط مختلف شهرستان معلوم می گردد که برای کشت و پرورش انواع محصولات کشاورزی چه مقدار زمین در کدام نقطه اختصاص یافته است و چگونه شرایط خاص آب و هوایی در منطقه ای به رشد و نمو گیاه بخصوص کمک می کند. و اینکه فراهم بودن امکانات مادی، دسترسی و بهره گیری از ابزارهای پیشرفته ی کشاورزی چه مقدار در تولید مؤثر است و بالاخره بازار مصرف و دوری و نزدیکی به آن چه نقشی در تولید دارد. در تحلیل نهایی استنباط می شود که علاوه بر عوامل یاد شده، متابعت از جبر جغرافیایی، الگوهای مصرف، حمایت دولت هم در زمینه ی تولید فرآورده های کشاورزی بی تأثیر نمی باشند به عنوان مثال: زمانی که مزارع وسیع و حاصلخیز میاندوآب مرغوبترین و ش پنبه را به بازار عرضه می کنند، دولت کارخانه ی قند را تأسیس می کند، کشت تخصصی پنبه اجباراً ممنوع می شود و کشت و پرورش

چغندر قند ترویج می گردد و یا آیش رایج سنتی زمین های گندم که یک سال در میان به زیر کشت می رفت از برکت وجود کودهای شیمیایی همه ساله کاشته می شوند. (محبوبی، ۱۳۷۰، ۴۵۰) شهرستان میاندوآب براساس اصلاحات ارضی دارای ۲۰۲ پلاک می باشد که به چندین بخش تقسیم گردیده که شامل بخش های پنج، شش، هفت، هشت، ۱۴ مراغه و ۱۶ مهاباد می باشند. که براساس قانون فروش خالصجات به سال ۱۳۳۸ در حدود ۱۴ پلاک معین گردیده که عبارتند از: یوزباشکندی، بهی، رابری، لک، زرندی و قصبه ی میاندوآب دارای (پلاک یک اصلی)، یاغلان تپه (پلاک ۱۴ اصلی)، منصورکندی (۱۳ اصلی)، تقی آباد (۴۲ اصلی)، دولت آباد، گاو میش گلی، حسین آباد با هم دارای پلاک ۴۴ اصلی می باشند. و روستاهای قره قوزلو و سه دانگ قریه ی فسندوز املاکمی بوده اند که مالکیت آن ها در اختیار دربار شاه و اطرافیان بود. بعد از تصویب قانون اصلاحات ارضی که در سه مرحله به اجرا گذاشته شد، در مرحله ی اول دولت ششدانگ روستا یا قسمتی از روستا را از مالکین می خرید و به زارعین صاحب نسق واگذار می کرد و در مرحله ی دوم نیز دولت مالکین را منخیر کرده که به سه طریق با زارعین به توافق برسند و این سه روش شامل فروش، تقسیم و اجاره بود. و در مرحله ی سوم اراضی را که بصورت اجاره به زارعین واگذار شده، مالکین را مؤظف کرده که به زارعین بفروشند.

مالکین قراء میاندوآب که اکثر روستاها را در مالکیت خود داشتند عبارت بودند از: منصور و احمد کلانتری (قچلو و ولی آباد)، جمشیدخان اسفندیاری (چهاربرج قدیم و جدید، بکتاش، ساتلمش محمدلو و فسندوز) و سایر مالکین همچون فرمانفرمائیان و سیاوش صمصامی هر کدام مناطق و روستاهای زیادی را در مالکیت خود داشتند.

با توجه به این که آذربایجان و شهر مراغه اولین منطقه ای بود که اجرای قانون اصلاحات ارضی به صورت آزمایشی از آنجا آغاز شد و منطقه میاندوآب نیز یکی از حوزه های شهر مراغه بود، همزمان اجرای قانون مزبور در این منطقه نیز انجام گرفت. عرایض و شکایات مربوط به نظام ارباب-رعیتی نشان دهنده یک تصویر کلی از مقاومت اربابان و حتی تباری دستگاه های دولتی در قبال مسئله اصلاحات ارضی در منطقه میاندوآب بود. شکایت های کشاورزان منطقه میاندوآب به مجلس سنا به جهت تعدی و ظلم و ستم هایی که بعد از اجرای اصلاحات ارضی در حق آن ها گردیده بود، نشان از نارضایتی روستائیان از اقدامات انجام گرفته در این مناطق می باشد که نمونه آن سند شرح دادخواهی ساکنین و زارعین قریه چهاربرج قدیم از حوزه میاندوآب با این مضمون می باشد که: «مقام معظم جناب آقای شریف امامی ریاست محترم مجلس سنا با نهایت ادب و احترام معروض می دارد جان نثاران ۵۵۰ خانوار که جمعا ۳۰۰۰ نفر اناث ذکور و ساکنین و زارعین قریه چهاربرج قدیم حومه شهرستان مراغه می باشیم که آباء و اجداد در محل مزبور ساکن و زارع می باشیم بطوریکه خاطر مبارک آن مستحضر است که در سه ماه قبل در اثر طغیان رودخانه ها و جاری شدن سیل مهیب خسارت جبران ناپذیری به جان نثاران وارد شده است و از طرف تمام مقامات دولتی از محل مزبور بازدید و بازرسی بعمل آمد و صورت مجلس هایی تنظیم شده است با اینکه از طرف شاهنشاه آریامهر دستوری برای پرداخت وام در حق چاکران صادر شده است مع الوصف در اینوقت ۳ ماه بهیچوجه از طرف هیچ مقامی عطف توجه نشده است و برای عمران و آبادی قریه احتیاجات ضروری دچار تنگدستی شده ایم لذا از مقام عالی استدعای صدور دستور عطف توجه مقامات مسئول که با توجه به پرونده های مراجعه در شیر و خورشید و شهرداری و آرتش و با در نظر گرفتن خسارات وارده برای چاکران که در این موقع بلا تکلیف مانده ایم مورد تقاضا است که برای همیشه دعاگوی وجود مبارک آن جناب و اولیای محترم امور خواهیم شد

چون فدوی بعثت نبودن سرپرست خانواده ام ... مجبور ... می باشم از مقام عالی استدعای عاجزانه می نمایم که نتیجه نظر مبارک آن جناب به آدرس زیر اعلام فرمائید.» (مجلس شورای اسلامی، سند شماره - ۵/۲۳۰۹/۴/۲/۷) در پاسخ نامه زارعین قریه چهاربرج مبنی بر پرداخت وام و مساعدت در این مورد به علت خسارت بر اثر سیل و طغیان رودخانه، بانک کشاورزی ایران خطاب به ریاست محترم مجلس سنا می نویسد: «جناب آقای خزیمه علم عطف به نامه شماره ۲۴۵۶ مورخ ۴۸/۴/۱۸ ضمن اعاده عین تقاضای آقای عین اله رستم زاده نماینده کشاورزان قریه چهاربرج گاودول مراغه باستحضار می رساند: نسخ دیگری از درخواست مشارالیه قبلا از طریق وزارت کشاورزی و بازرسی شاهنشاهی به بانک واصل که ضمن استعلام جریان امر و علت عدم قبول تقاضای نامبردگان به شعبه بانک در مراغه دستور داده شده است تقاضای آنان را به منظور انجام عملیات کشاورزی و ترمیم خسارات وارده در صورتی که عضو شرکت تعاونی روستائی نباشند در حدود مقررات مورد رسیدگی و اقدام قرار داده مساعدت لازم بعمل آورند.» (مجلس شورای اسلامی، سند شماره - ۵/۲۳۰۹/۴/۲/۷) و این در صورتی است که بانک کشاورزی ایران، شرط عدم عضویت در شرکت تعاونی روستائی را برای پرداخت وام اعلام می کند و با توجه به اینکه اکثر زارعین عضو شرکت تعاونی بودند و آن ها نیز مساعدت لازم را برای تأمین خسارات زارعین انجام نمی دادند در واقع مشکلات کشاورزان منطقه همچنان لاینحل باقی مانده بود. و در سندی دیگر در همین زمینه آمده است: «با نهایت ادب و احترام معروض می دارد شرح داد خواهی آن است که جان نثاران زارعین قریه چهاربرج گاودول مراغه در سال ۱۳۴۳ زمین های زراعتی قریه مزبور را اداره اصلاحات ارضی میاندوآب به مبلغ ۴۳ هزار تومان به مدت پنج سال، هر سال ۴۳ هزار تومان است به ساکنین قریه مزبور به اجاره واگذار، زارعین محل مدت سه سال تمام از قرار مبلغ ۴۳ هزار تومان مبلغ اجاره را در مقابل اخذ رسید تا سال ۴۶ پرداخت نموده ایم. لیکن در سال ۴۷ در اثر جاری شدن سیل که از محصول چیزی باقی نمانده بود بوسیله اصلاحات ارضی میاندوآب حاضر شدیم که اجاره را نزد مسترد و اداره اصلاحات ارضی محل هم تصویب کردند. با اینکه از بابت سال ۴۷ مبلغ ۲۵ هزار تومان پرداخت کرده بودیم اراضی را مسترد و تا به حال دیناری از سال ۴۷ تا حال از اراضی مزبور استفاده نکرده ایم. لیکن حالیه مالک محل برای دریافت بقیه وجه اجاره سال های ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ زارعین محل را تحت فشار قرار داده و با زور ژاندارمری وجه اجاره سنوات فوق را که ما بیچارگان [به] زمین های قریه دست زده ایم از ما مطالبه می نماید و باعث متواری شدن ما بر بیابان شده است. مراتب تظلم معروض استدعای صدور دستور رسیدگی فوری به مأمورین معمول برای تعیین تکلیف از ساحت مقدس مجلس سنا مورد تقاضا است.» (سند شماره ۱، مجلس شورای اسلامی، سند شماره - ۵/۲۳۰۹/۴/۲/۷) س.

در پاسخ مرقومه، وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی به تاریخ ۴۹/۷/۲۲ در مورد رسیدگی به شکوائیه ساکنین محل و عین اله رستم زاده از کشاورزان قریه چهاربرج میاندوآب می نویسد: «عطف به مرقومه شماره ۵۰۷۲ - ۴۹/۶/۱۹ در مورد رسیدگی به شکوائیه آقای عین اله رستم زاده از کشاورزان قریه چهاربرج میاندوآب ضمن اعاده عین مرجوعه استحضار می دهد. بطوریکه اداره کل اصلاحات ارضی و تعاون روستائی استان آذربایجان غربی گزارش می دهد زارعین و خرده مالکین قریه مذکور در اجرای مرحله دوم قانون در میزان مال الاجاره با یکدیگر توافق نموده و بدین ترتیب اقدام دیگری برای تقلیل مال الاجاره مقدور نمی باشد. (سند شماره ۲، مجلس شورای اسلامی، سند شماره - ۵/۲۳۰۹/۴/۲/۷) همچنین دادخواهی عده ای از زارعین روستاهای کهنه و تقی آباد میاندوآب در خصوص اختلافات ملکی و مالی مبنی بر وصول مال الاجاره توسط دولت و تعدی افراد به اراضی کشاورزی و تقاضای پرداخت خسارت ناشی از آن، (مرکز اسناد کتابخانه ملی ایران، سند شماره - ۷/۱/۱۲۹۰۵) گویای عدم اجرای

صحیح قانون اصلاحات ارضی در منطقه میاندوآب می باشد. با وجود اینکه کشاورزان بر اثر سیل و طغیان رودخانه خسارت زیادی را متحمل شده و نتوانستند محصولی برداشت نمایند، ولی مالک محل با استفاده از زور مبلغ اجاره را از کشاورزان درخواست و دولت نیز از این امر حمایت می کرد. این اقدامات کشاورزان روستاهای منطقه را در شرایط سختی قرار داد و موجب مهاجرت آن ها به شهرها شد. همچنین در عرایض آقایان میرزاآقا رشیدی و نوروز آقایی به نمایندگی از طرف زارعین و کشاورزان قریه فسندوز از توابع میاندوآب خطاب به ریاست مجلس سنا آمده است: «با کمال احترام بعرض عالی میرساند اینجانبان زارعین و کشاورزان قریه فسندوز توابع میاندوآب به مقام دادخواهی برآمده استدعای رسیدگی و بذل توجه را داریم. بطوریکه در سال ۱۳۴۱ از طرف سازمان اصلاحات ارضی، اراضی قریه مذکور را بین زارعین تقسیم نموده و ضمناً چراگاهی نیز برای اغنام و احشام اینجانبان معین و بدون تقسیم وسیله مأمورین و مهندس اصلاحات ارضی شراکت مانده تا اغنام و احشام عموم زارعین از همان چراگاه شراکتی استفاده نمایند اینکه در سالهای قبل به هر یکی گوسفند زائیده و نژائیده ده ریال و بهر یک رأس گاو میش پنجاه ریال و بهر یک رأس گاو ماده سی ریال بعنوان مالیات به انجمن ها و معتمد قریه نامبرده پرداخته ایم متأسفانه اخیراً در سال جاری آقایان علی محمدی فرزند هاشم انجمن و جبار قربانی معتمد محل (وجه نامبرده) از مقام خودشان استفاده کرده مقداری از چراگاه عموم را به آقای الماس خان فرزند جمشیدخان اسفندیاری فروخته اسفندیاری نیز که عمده مالکین سابق بود در عرض چند شبانه روز با وسیله تراکتور ها جفت کاری نموده و سایر انجمن ها قریه علاوه که زمین خودشان و چند نفر از اطرافیان خود را تحویل کرده باقیمانده چراگاه مذکور را جفت کاری و تبدیل بزمین نموده در صورتیکه هرگاه تحقیقات فرمایند معلوم خواهد شد که همپاتی (ارضی) انجمن های مذکور... بدون کشت و لم یزرع مانده و چراگاه زارعین را جفتکاری کرده- تمامی اغنام فدویان که تقریباً هفت هزار رأس گوسفند و پانصدوسی رأس احشام فدویان از حیث چراگاه در مضیقه مانده و اصلاً ممکن نیست که جهت چرانیدن از ده خارج بشود با این وصف و حساب رسیدگی اینجانبان و مورد مضیقه اغنام و احشام اینجانبان را از قسمت چراگاه فراری کرد در سال ۴۱ ضمن تقسیم، عیسی خان و غلامعلی خان بانجمن ده فسندوز تعیین و خودشان ۵۰ هکتار از چراگاه که معروف بزمین چاللو و نوورلر میباشد و هریک سالیانه در حدود بیست هزار ریال بهره مالکانه میدهند... در نتیجه بعلت عدم جلوگیری از عملیات در سالهای ۴۵ و ۴۶ دو نفر فوق الذکر بقیه چراگاه را تبدیل به زمین زراعتی کرده و توسط اطرافیان خود تصاحب و حتی کمتر چراگاه جهت چرانیدن اغنام باقی نمانده و اخیراً در پی شکایت به سرچنگلبنانی مهاباد آقای مهندس ساجدی در اجرای دستور شماره ۲-۶/۱۲/۶۷ سیار به محل آمده و ۸۰۰ هکتار و چراگاه معروف کوشن قرخ تپه زار یاز تپه سی را نقشه برداری و بعد دو نفر از رضائیه آقای نریمان از طرف اصلاحات ارضی با حضور آقای مهندس ساجدی و از میاندوآب آقای باباخانی به محل تشریف آورده ولی بعد از چند ساعت اقامت در قریه بدون اینکه... توضیحاتی اخذ نمایند بدون اخذ نتیجه فدویان مراجعت فرموده اند و توضیحات معروض میدارد آقایان فوق که در سال ۴۵ و ۴۶ بقیه چراگاه را تبدیل بزمین نموده و با اطرافیان تصاحب نموده اند اظهار میدارند که همان زمین های سال ۴۲ و ۴۳ میباشد. و تدریجاً هر یک در حدود ۵ هکتار ۱۰ هکتار ۲۰ هکتار و ۲۵ هکتار به اراضی مندرج بالا اضافه و قاطی و تصاحب نموده اند با عرض مراتب اینک مظلومیت خود را به مقام عالی عرض و اگر به این زودی توجه و رسیدگی و رفع ظلم نشود اغنام و احشام ما بیچارگان در اثر نبودن چراگاه از بین خواهند رفت و تصدیق بفرمائید زندگانی زارعین بسته به وجود اغنام و احشام میباشد از طرف عموم زارعین و کشاورزان قریه فسندوز توابع میاندوآب» (۵/۲۳۰۹/۴/۲/۷/س).

دولتی از مقام خود و واگذاری چراگاه عمومی روستا به یکی از مالکین عمده منطقه می باشد در نتیجه این اقدامات ساکنین قریه مزبور برای جلوگیری از تلف شدن احشام، مجبور به فروش دام های خود شدند که این امر در کاهش تولید محصولات دامی نقش اساس داشت و زمینه را برای کوچ بسیاری از ساکنین به مناطق دیگر فراهم نمود.

در سندی دیگر آمده است: دادخواهی زارعین منطقه کشاورز از محال آجرلوی میاندوآب، مبنی بر اینکه با وجود گذشت چند سال از اجرای اصلاحات ارضی، هنوز زارعین قریه کشاورز مثل سابق تحت نفوذ و قدرت محلی مالک به نام آقای اسماعیل حمیدیه می باشند و از طرف ایشان مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند.

متن سند: «ریاست محترم کمیسیون عرایض مجلس؛ با نهایت احترام خاطر شما را معطوف و تمنای بذل توجه می نمایم-جان نثاران خانلار اصغری و رحیم مهدی زاده به نمایندگی از طرف کشاورزان قریه کشاور محال آجرلو حومه میاندوآب استان آذربایجان غربی چندین سال است در سایه توجهات شاهنشاه آریامهر عموم کشاورزان ایرانی از مزایای قانون اصلاحات ارضی بهره مند بوده هنوز زارعین قریه کشاور کمافی السابق در تحت نفوذ و قدرت محلی مالک به نام آقای اسماعیل حمیدیه با کمال مشقت زندگی می نمایند در تیر ماه ۴۴ مأمورین اجرا کننده مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی در قریه کشاور تمرکز از اطرافیان قریب پنجاه آبادی به مرحله اجرا در آورده اند و زارعین قریه کشاور دستور تأدیه بهره مالکانه دادند در قبال اخذ رسید پرداختیم بعد از بهره بنا به درخواست خود مالک در مورد بند(ج) توافق نامه مورخ ۴۴/۷/۲۱ بوسیله مأمورین جلادت ارضی محل بین زارعین و مالک تنظیم و به امضاء طرفین رسیده که اراضی را به ۹ نبش تفکیک که سه سهم آن سهم مالک و شش سهم دیگر به زارعین بقید قرعه تا صد کشت بمدت پانزده روز قرعه کشی شود و موقع قرعه از کشت زارعین سهم مالک اجابت کند با جردیت ۳ نفر یکی از مالک دومی از طرف کشاورزان سومی از کارشناس اصلاح نهال بذر پس از تعیین بهاء بذر و شیار و آبیاری و غیره مالک به زارعین بپردازند و قرار است در خرمن سال ۴۵ کشاورزان اقساط بدهند در ردیف ۸ قید شده اعتراضات از طرفین ساقط است اگر به مفاد صورت جلسه تقدیمی توجهی بفرمایند روشن می گردد که تمامی دوران آن به صرفه مالک و بر علیه زارع تمام شده محض رعایت قانون جان نثاران مطیع قانون هستیم ولی مالک قانون و احترام امضاء خود رعایت نمیکنند و از موعد مقرر تا بحال از قرعه کشیدن تفره داده که موجب سقوط هستی کشاورزان را فراهم بنماید که موفق به چغندرکاری و شیار و بذر نباشیم و زارعین بی چاره مبلغ در حدود ۸۰ هزار تومان از طریق شرکت تعاونی روستایی بذر و شیارو کود برای مصرفی زراعت وام دریافت ضمناً آقای اسماعیل حمیدیه مگر مفاد توافق نامه را ندیده گرفته نخست بهره مالکانه می خواهد و اینک رونوشت تمامی مدارکات ابتدای و نهایی و غیره در پیوست تقدیم راجع به این موضوع مطابق نامه شماره ۱۹۹۳۰-۴۴/۱۱/۱۶ اداره کل کشاورزی و عمران و اصلاحات ارضی استان آذربایجان غربی که به مجلس سنا گزارش نموده برابر گزارش شماره ۷۲۹۳-۴۴/۱۱/۱۲ سازمان اصلاحات ارضی محل به شکایات آنان رسیدگی بالاخره خرده مالکان و زارعین قریه مزبور نسبت به اجرای بند(ج) توافق دارایی خود را تقسیم نموده اند زارعین استدعای عاجزانه دارند مطابق مفاد توافق بایستی در خرمن سال ۴۵ اقساط بدهند و عمل قرعه کشی طبق فهرست تقدیمی در پیوست انجام یابد و راجع به این جریان چندین مرتبه به تمامی ادارات مربوطه محل دادخواست تقدیم داشته چنانچه در بالا عرض شد نفوذ و قدرت محلی مالک نگذارد عرایض زارعین بجایی برسد و نتیجه مثبت بگیرد مجدداً استدعای عاجزانه مینمائیم دستور مقرر فرمائید شکایت های جان نثاران را به محل مراجعه بفرمائید در خود مرکز قضاوت عادلانه

فرموده و نتیجه مبذول فرمایند. والا مجددا دادخواست جان نثاران به محل ارجاع شود مالک با استفاده از قدرت و نفوذ محلی، زارعین را با نامهای دیگری متهم و دچار خسارتهای کمرشکن از بین می برد... با تقدیم شایسته ترین احترامات خالصه به نمایندگی از طرف زارعین کشاورز خانلار اصغری و رحیم مهدی زاده (سند شماره ۳، مجلس شورای اسلامی، سند شماره- ۴۵/۶/۲۶-۴۶۱۱-۴۷/۵/۸۰۰/۵/۷/۴۷) سازمان اصلاحات ارضی کل کشور در پاسخ مرقومه می نویسد «عطف بمرقومه شماره ۴۵/۶/۲۶-۴۶۱۱ با عاده عین مرجوعه آقای رحیم مهدی زاده نماینده زارعین قریه کشاورز باستحضار میرساند قبلا نسخه ای از نامه نامبرده به این سازمان واصل شده بود که جهت رسیدگی و اقدام لازم باداره کل کشاورزی و عمران و اصلاحات ارضی آذربایجان غربی ارسال گردید اداره مزبور طی گزارش شماره ۴۵/۶/۷-۱۱۴۵۶ اعلام داشته است که ملک مذکور در اجرای مرحله دوم (شق تقسیم) که خواسته کلیه زارعین و مالکین بوده است در قریه کشاورز با تراضی طرفین بمرحله اجرا در آمده و به نسبت بهره مالکانه ارضی سهم مالکین و زارعین بتفکیک معلوم و مشخص گردیده است. (سند شماره ۴، مجلس شورای اسلامی، سند شماره- ۴۷/۵/۸۰۰/۵/۷/۴۷) اسناد فوق نشان می دهد به علت عدم اجرای درست قانون اصلاحات ارضی اختلافات همچنان بین مالک و زارع بعد از اجرای قانون ادامه داشته و زارعین توسط مالک مورد ظلم و ستم قرار می گرفتند و سازمان اصلاحات ارضی نیز برنامه اساسی برای رفع مشکلات نداشته است.

۵. پیامدهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اصلاحات ارضی در میاندوآب

اصلاحات ارضی بخش محوری انقلاب سفید محمدرضا شاه بود که به توصیه کندی رئیس جمهور آمریکا از سال ۱۳۴۰ در ایران به اجرا گذاشته شد. پیامدهای آن علاوه بر این که تحت تأثیر بازیگران سیاسی داخلی و خارجی بود، تحت تأثیر منافع عوامل داخلی نیز قرار گرفت. اصلاحات ارضی اثرات مخربی بر وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میاندوآب داشت و سبب نارضایتی کشاورزان گردید. مهم ترین پیامدهای اصلاحات ارضی در میاندوآب عبارتند از:

الف) پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در میاندوآب: اجرای اصلاحات ارضی در مناطق مختلف کشور از جمله میاندوآب، توانست در مدت کوتاهی قدرت سیاسی دولت را در روستاها افزایش داده و جایگزین قدرت اربابان و مالکان بزرگ نماید. کنترل قیمت ها و قدرت اجبار کننده ژاندارمری نیز هر یک به نوعی پایه های قدرت دولت را در روستاها تحکیم نمودند (جلال شکوهی و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۰۵-۳۰۳) که پیامد اصلی آن کاهش اقتدار بزرگ مالکان و تضعیف قدرت سیاسی آن ها بود. (طالب و عنبری، ۱۳۸۷، ۵۷) این موضوع به کاهش قدرت مالکان بزرگ میاندوآب نیز منجر شد. پیامدهای منفی برنامه های رژیم بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی، نارضایتی مردم را فراهم نمود و این امر در عرایض و دادخواهی ساکنین و زارعین مناطق مختلف میاندوآب مشاهده می شود. (مجلس شورای اسلامی، سند شماره- ۱۰/۱۵۷/۱۶/۱/۲۳۸)

ب) پیامدهای اقتصادی اصلاحات ارضی در میاندوآب: با اجرای اصلاحات ارضی در دهه ۱۳۴۰ تولید محصولات کشاورزی در منطقه میاندوآب به صورت قابل توجهی کاهش یافت که عوامل مختلفی در این امر دخیل بودند:

۱. کاهش تولیدات معیشتی همچون؛ گندم و جو و افزایش کشت چغندر قند در منطقه میاندوآب.

۲. ملی کردن مراتع و کوتاه شدن دست ایلات و عشایر و قبایل کوچ نشین از مراتع، شکاف طبقاتی و مهاجرت روستائیان به شهرها را فراهم ساخت.

۳. اسناد موجود حاکی از عدم اجرای درست قانون اصلاحات ارضی در منطقه میاندوآب داشته و به نظر تعداد زیادی از زارعین، قوانین مربوطه ابداً در این منطقه اجرا نمی شد و ظلم و ستم مالکین همچنان ادامه داشته است.

۴. عدم ارائه تسهیلات لازم به کشاورزان منطقه میاندوآب که با اجرای اصلاحات ارضی صاحب زمین شدند و یا بر اثر حوادث طبیعی و غیر طبیعی دچار خسارت شده بودند و همچنین تعیین قیمت پایین به گندم تولیدی توسط کشاورزان منطقه نسبت به قیمت واقعی آن. (مجلس شورای اسلامی، سند شماره-۵/۲۳۰۹/۴/۲/۷) (س)

۵. عدم همکاری دولت در تأمین آب جهت آبیاری زمین های کشاورزی در روستاهای پایین دستی میاندوآب، خصوصاً در حواشی دریاچه ارومیه که خاک نسبتاً شور داشته و امکان استفاده از آب چاه به دلیل شوری، در این مناطق مقدور نبود. و بی توجهی در ایجاد کانال های آبیاری و زهکشی موجب کاهش تولید محصولات کشاورزی در این منطقه گردید.

عریضه زارعین میاندوآب به حسن تبریزی نماینده مجلس شورای ملی در خصوص مصادره املاک وثیقه زارعین توسط اداره خالصه میاندوآب به دلیل عدم استطاعت پرداخت بدهی و درخواست معافیت از بهره دیرکرد. (مرکز اسناد کتابخانه ملی ایران، ۳۲۰/۲۷۸۶۸) همچنین عدم رضایت کشاورزان از نحوه تقسیم زمین ها در نامه وزیر کشاورزی به سازمان اطلاعات و امنیت کشور در این خصوص و تعویض صادق نوری رئیس خالصجات میاندوآب و شکایت بر علیه وی (مرکز اسناد کتابخانه ملی ایران، ۳۲۰/۳۱۲۲۳). نشان از ناکارآمدی اجرای اصلاحات ارضی در این منطقه دارد.

به گفته فوران: «موفقیت عملی از لحاظ منافع مثبت واقعی برای دهقانان مشمول قانون عملاً صفر بود ... و برنامه ای محافظه کارانه بود که مزایای مثبت معدودی داشت و وضعیت اقتصادی روستائیان بهتر از سال های قبل از اجرای برنامه نبود» (فوران، ۱۳۷۸، ۴۸۲-۴۸۳). حضرت امام خمینی (ره) نیز می فرمایند: «اصلاحات ارضی به امر دولت آمریکا بود برای آنکه بازار درست کند که چیزهای آنها به فروش برسد یعنی زراعت ما به هم بخورد، ما محتاج بشویم» (امام خمینی، بی تا، ۲۵).

ج) پیامدهای اجتماعی اصلاحات ارضی در میاندوآب: با توجه به شرایط به وجود آمده برای روستائیان میاندوآب بعد از اصلاحات ارضی و مشکلاتی که به تبع آن کشاورزان با آن مواجه شدند تا جایی که آنها از پرداخت اقساط بدهی های خود عاجز مانده و مجبور به ترک روستا و مهاجرت به شهر شدند. اسناد حاکی از آن است که با وجود توافق اداره اصلاحات ارضی و زارعین قریه چهاربرج میاندوآب در مورد مبلغ اجاره سالیانه، مالک محل برای دریافت مبلغ مورد نظر خود، زارعین محل را تحت فشار قرار داده و با زور ژاندارمری، وجه اجاره سنواتی را که زارعین هیچ گونه محصولی را از زمین برداشت نکرده بودند از آن ها مطالبه می کرد و باعث متواری شدن زارعین به بیابان ها و یا مهاجرت آن ها به شهرها می شد (مجلس شورای اسلامی، سند شماره، ۵/۲۳۰۹/۴/۲/۷). روستائیان مهاجر در بخش های ساختمان سازی و بخش خدمات و همچنین به عنوان کارگر روزمزد و به صورت فصلی در کارخانه قند میاندوآب و کارگاه های چوب بری و با درآمد بسیار پایین مشغول به کار می شدند. طبق اسناد موجود و دادخواهی زارعین منطقه میاندوآب، بعد از اجرای برنامه، هنوز زارعین منطقه تحت نفوذ و قدرت محلی مالکین در کمال

مشقت زندگی می نمودند و قراردادی که بین زارعین و مالک در مورد بهره مالکانه منعقد می شد اگر چه مفاد آن به نفع مالک بود ولی ایشان از اجرای قانون طفره رفته و با استفاده از قدرت و نفوذ محلی و با وارد کردن اتهامات واهی به زارعین، آن ها را مورد آزار و اذیت قرار داده و از عمل به وظایف خود امتناع می کرد (مجلس شورای اسلامی، سند شماره-۴۷/۵/۷/۸۰/۴س).

نتیجه گیری

اصلاحات ارضی توسط محمدرضا شاه به نتایج سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، افزایش نفوذ، ایجاد پایگاه اجتماعی و جلوگیری از شورش های دهقانی انجامید. که پیامد عمده آن جایگزین کردن قدرت سیاسی دولت با قدرت مالکان بزرگ در روستاها بود. هرچند دولت توانست املاک اربابان را بین دهقانان تقسیم نماید و تعدادی از روستائیان صاحب زمین شدند، ولی خانوارهای خوش نشین را نادیده گرفت و آنها از دریافت زمین مستثنی و در هیچ برنامه توسعه ای در نظر گرفته نشدند. با توجه به موقعیت مهم منطقه میاندوآب در این تحقیق نتایج و پیامدهای اصلاحات ارضی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های تحقیق نشان می دهد که اجرای اصلاحات ارضی در منطقه میاندوآب به درستی انجام نگرفته است. در این راستا عرایض و شکایات مربوط به نظام ارباب-رعیتی نشان دهنده یک تصویر کلی از مقاومت اربابان و حتی تباری دستگاه های دولتی در قبال مسئله اصلاحات ارضی در منطقه میاندوآب بود.

در منطقه میاندوآب اصلاحات ارضی در تمامی روستاها اجرا نشد و تعداد زیادی از روستائیان صاحب زمین نشدند. با کنار رفتن مالکان بزرگ منطقه میاندوآب همچون؛ منصور و احمد کلانتری، جمشیدخان اسفندیاری، سیاوش صمصامی، فرمانمائیان و... تقریباً نیمی از خانوارهای روستایی در این منطقه مالک قطعه زمین کوچکی شدند. اجرای اصلاحات ارضی در منطقه نشان داد که از لحاظ تولید و منافع موفقیتهای برای دهقانان مشمول قانون به دست نیامده است. طبق اسناد موجود صاحبان زمین های کوچک و مستأجرین تحت فشار مالکین قرار داشته اند و قانون مرکز در میاندوآب اجرا نشده است. به علاوه اختلافات مربوط به اجاره ها همچنان وجود داشت و در قرار دادها موارد مربوط به خسارت هایی که از بابت سیل و طغیان رود خانه ها بر محصولات کشاورزی وارد می شد مورد توجه قرار نگرفته بود. این عوامل زمینه را برای مهاجرت روستائیان به شهرها و کاهش تولید محصولات کشاورزی فراهم نموده است. با توجه به اینکه بخشی از زمین های میاندوآب جزء خالصجات محسوب می شدند، دولت ها حق هرگونه دخالت در آنها را به عنوان بخشی از مایملک در چارچوب قوانین مربوطه داشتند. (ماده ۳۰ قانون مدنی) با اجرای قانون تقسیم و فروش خالصجات دولتی در میاندوآب، تعدادی از روستاهای بخش و حومه از جمله زمین های مزروعی رابری، بهی و یوزباشکندی به زارعین صاحب نسق واگذار گردید و به تدریج در مراحل بعدی املاک بزرگ اطراف میاندوآب نیز تقسیم شدند. واگذاری خالصجات قبل از شروع اصلاحات ارضی انجام می شد و همزمان با شروع اصلاحات ارضی این روند تحت شرایط خاص ادامه پیدا کرد. جلگه ای بودن منطقه میاندوآب ایجاب می کرد که کانال های آبیاری در مناطق مختلف ایجاد شود. در منطقه میاندوآب رودخانه های رزین رود و سیمینه رود اصلی ترین منبع آب زراعی بوده است. چون رودخانه ها در بستری عمیق جریان دارند لذا بالا آوردن آب و هدایت آن به زمین ها که معمولاً سه تا چهار متر از بستر رودخانه ها بلندتر است، مستلزم ایجاد سدبندهایی برای این منظور بود. این اقدامات در دوره قبل از اصلاحات ارضی توسط مالکان و اربابان با همراهی

مردم روستاها صورت می گرفت ولی بعد از اجرای اصلاحات بی توجهی دولت به این امر، موجب شد که زارعین در تأمین آب کشاورزی با مشکلاتی مواجه شوند.

اجرای اصلاحات ارضی در منطقه میاندوآب پیامدهای مختلفی داشت؛ در بعد سیاسی توانست قدرت سیاسی دولت را در روستاها افزایش داده و جایگزین قدرت اربابان و مالکان بزرگ میاندوآب نماید؛ ولی اختلافات بین مالک و زارعین ادامه یافت. در بعد اقتصادی اجرای برنامه منجر به تغییر ماهیت و ساختار مالکیت زمین و گسترش نظام بهره برداری دهقانی و پیدایش سازمان های تولید کشاورزی جدیدی شد. تولید محصولات کشاورزی در این دوره کاهش یافت که عدم ارائه تسهیلات کافی به کشاورزان، کوچک بودن زمین های زراعی و کوتاه کردن دست عشایر از مراتع در این امر مؤثر بودند. از لحاظ اجتماعی نیز اصلاحات ارضی موجب رشد اقشار دهقانی و کارگری شد، اما به دلیل اینکه تعداد زیادی از روستائیان صاحب زمین نشدند و آنهایی هم که صاحب زمین کوچکی شدند از پرداخت اقساط بدهی های خود عاجز بودند. لذا بسیاری از آنان زمین های خود را به مالکان فروختند که نتیجه آن افزایش مهاجرت به شهرها و کاهش تولید مواد غذایی بود. مهاجرین در شهرها با مشکلات اجتماعی زیادی مانند فقدان شغل، مسکن و امکانات زیست مناسب مواجه شدند و در حاشیه شهرها و محل های فقیر نشین استقرار یافتند.



- اشرف، احمد، ۱۳۸۳، از انقلاب سفید تا انقلاب اسلامی، ترجمه محمدسالار کسرای، فصلنامه متین، شماره ۲۲، (۱۴۲-۱۰۹).
- ارسنجانی، نورالدین، ۱۳۷۹، دکتر ارسنجانی در آینه ی زمان، تهران، قطره.
- افراسیابی، بهرام، ۱۳۶۲، ایران و تاریخ (از کودتا تا انقلاب)، تهران، نشر نیلوفر.
- امام خمینی، روح الله، ۱۳۷۱، صحیفه نور، ج ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- پورافضل، حسن و بهاءالدین نجفی، ۱۳۵۱، اصلاحات ارضی و واحدهای دسته جمعی تولیدات کشاورزی، شیراز، دانشگاه شیراز.
- تجدد، حسین، ۱۳۸۷، پیامدهای مثبت و منفی اصلاحات ارضی در ایران، ماهنامه حافظ، شماره ۵۴.
- تنهایی، حسین ابوالحسن، ۱۳۸۹، جامعه شناسی نظری، چ ۳، تهران، بهمن برنا.
-،، ۱۳۹۱، جامعه شناسی معرفت و معرفت شناسی نظریه، تهران، بهمن برنا.
- تنهایی، ابولحسن و همکاران، ۱۳۹۲، برزسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی و تأثیر آن بر ساختار سیاسی دهه ۵۰ خورشیدی، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر، سال ۷، شماره ۲ (۲۱۹-۱۷۹).
- جلال شکوهی، جلال و همکاران، ۱۳۹۷، میاندوآب در مسیر تاریخ، ج ۱، تهران، منشور سمیع.
- خسروی، خسرو، ۱۳۵۸، جامعه شناسی روستایی ایران، چ ۳، تهران، پیام.
- سیف الهی، سیف اله، ۱۳۸۶، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، مؤسسه انتشارات پژوهان سینا.
- شاهوردی، شهرام، ۱۳۷۳، اصلاحات ارضی و پیامدهای سیاسی-اجتماعی آن در ایران، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- طالب، مهدی و موسی عنبری، ۱۳۸۷، جامعه شناسی روستایی (ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران)، چ ۲، تهران، دانشگاه تهران.
- عمید، محمدجواد، ۱۳۸۱، کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران، ترجمه سیدرامین امینی نژاد، تهران، نشرنی.
- غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۳، ساختار اجتماعی جامعه روستایی ایران، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۹.
- فوران، جان، ۱۳۷۸، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، چ ۲، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی، ۱۳۸۷، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چ ۱۲، تهران، مرکز.
- کدی، نیکی، ۱۳۶۹، ریشه های انقلاب، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم.

-محبوبی، جمشید، ۱۳۷۰، نگاهی به تاریخ و جغرافیای میاندوآب، تهران، پروین.

-محمدی، منوچهر، ۱۳۷۰، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر.

-مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۵/۲۳۰۹/۴/۲/۷، ۴/۸۰۰/۵/۷/۴۷، ۱۵/۱۵/۸/۱/۶۳، ۱۰/۱۵۷/۱۶/۱/۲۳۸، ۴-۱۰۱۱/۶۴/۴۹

-مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۷/۱/۲۰۶۸۱، ۷/۱/۱۲۹۰۵، ۷/۱/۳۱۲۲۳، ۳۲۰/۲۷۸۶۸

-مستوفی الممالک، رضا، ۱۳۸۵، جغرافیای روستایی(مبانی و ایران، با تأکید بر اصلاحات ارضی و دگرگونی ساختار اجتماعی، اقتصادی . سیاسی روستاهای ایران)، یزد، وصال.

-مهدوی، مسعود، ۱۳۷۷، مقدمه ای بر جغرافیای روستایی، ج ۱، تهران، سمت.

-نجفی، اسد، ۱۳۷۴، اصلاحات ارضی و تأثیر آن در دگرگونی ساختار سیاسی ایران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.

. Wariner, Dland Reform in principle and practice, Oxford, clarendon press, 1969, p: 109-135

. Mahdavi, H, "The Coming Crisis in Iran", Foreign Affairs 44 (October) 1965, p: 134-46.

. Lambton, A, The Persian land Reform, 1962-1966, Oxford, Clarendom press, 1969, p: 194-256

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی